



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

موضوع کلی: تحریف در قرآن

تاریخ: ۲۸ بهمن ۱۳۹۱

موضوع جزئی: ادله عدم تحریف - روایات (طائفه سوم)

مصادف با: ۵ ربیع الثانی ۱۴۳۴

سال: سوم

جلسه: ۲۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

طائفه سوم:

طائفه سوم روایاتی است که بر احکام یا فضائل ختم قرآن یا سوره‌ای از سور قرآن دلالت دارد، عرض کردیم بر عدم تحریف، از کتاب و سنت و عقل و اجماع دلیل اقامه شده است، دلیل اول کتاب بود که ذکر آن گذشت، دلیل دوم روایات است که از روایات تا اینجا به حدیث تقلین و روایات عرضه اخبار مرویه از ائمه (ع) به کتاب اشاره کردیم، تقریب استدلال و شبهات وارد بر این ادله و پاسخ آنها ذکر شد. دسته سوم روایاتی است که دلالت بر بیان فضائل ختم قرآن و یا سوره‌ای از سور قرآن دارد.

روایات دال بر فضائل ختم قرآن و روایات دال بر فضائل سُور بر عدم تحریف دلالت می‌کند به این بیان که وقتی برای ختم قرآن فضیلتی ذکر می‌شود و یا آثاری برای قرائت بعضی سور ذکر می‌شود قهراً ناظر به ختم قرآن واقعی است، ناظر به قرائت یک سوره از سور قرآن واقعی است، اگر قرار باشد قرآن موجود یعنی قرآنی که تحریف شده یا سور موجود یعنی سوره‌ای که در آن نقص و تحریف واقع شده، دارای این آثار و فضائل باشد لازمه‌اش این است که بگوییم یا از اول این فضائل و آثار برای قرآن واقعی نبوده بلکه برای خصوص قرآن موجود در دست ماست که این امری است که التزام به آن ممکن نیست و قائل به تحریف هم قطعاً به این امر ملتزم نیست و اگر بگوییم این آثار و فضائل برای قرآن واقعی است که تحریفی در آن صورت نگرفته و برای یک سوره‌ای است که حتی یک آیه هم از آن کم نشده است در این صورت لازمه‌اش این است که قرائت سوره‌ای از سور قرآن یا ختم قرآن موجود آن فضائل را دارا نباشد. احتمال سوم اینکه بگوییم فضیلت و اثر برای ختم قرآن واقعی یا برای یک سوره از سور قرآن واقعی است که در آن تحریف راه پیدا نکرده لکن این حکم بعد از زمان پیامبر (ص) تغییر کرده و روایات در واقع ناظر به همین قرآن هستند یعنی قرآن واقعی این آثار و فضائل را داشته ولی بعد از زمان پیامبر (ص) این حکم تغییر کرده و برای همین قرآن هم آثار و فضائل ثابت شده است، یعنی در زمان پیامبر (ص) قرآن واقعی موجود نزد ایشان آن اثر را داشته و اکنون قرآن موجود نزد ما هم آثاری دارد. پس قائل به عدم تحریف قرآن به روایاتی که برای ختم قرآن و سور آن فضائل را ذکر کرده استدلال نموده ولی باید دید چگونه از این روایت عدم تحریف بدست می‌آید؟ مفاد این روایات نص و ظاهر در عدم تحریف نیست و ما بالملازمه عدم تحریف را استفاده می‌کنیم چون در این روایات به عدم تحریف اشاره نشده و فقط می‌گوید کسی که ختم

قرآن بکند این فضائل را دارد یا مثلاً قرائت فلان سوره این آثار و فضائل را دارد، حال می‌خواهیم ببینیم چگونه به این روایات بر عدم تحریف قرآن استناد می‌شود؟

تقریب استدلال به این روایات این است که اگر بگوییم فضیلت ختم قرآن و بعضی سُور، ناظر به قرآن واقعی است لازمه این سخن آن است که بنا بر قول به تحریف هر کسی این قرآن موجود را ختم کند هیچ فضیلتی نداشته باشد و همچنین هیچ اثری بر خواندن سُور مترتب نشود چون احتمال نقص بعضی از سُور و آیات داده می‌شود لذا فضیلت ختم قرآن فقط در صورتی ثابت است که قرآن واقعی ختم شود و همچنین آثاری که بر بعضی سور مترتب شده در صورتی است که سُور قرآن واقعی خوانده شود پس قول به تحریف با توجه به این روایات تالی فاسد دارد؛ به این بیان که از یک طرف گفته می‌شود قرآن تحریف شده و از طرف دیگر هم گفته می‌شود روایات دلالت دارد بر این که قرآن واقعی غیر محرّف و غیر ناقص این فضائل را دارد، لازمه این مطلب آن است که هر یک از مسلمین هر سوره‌ای را بخوانند هیچ فضیلت و اثری بر آن مترتب نشود.

پس در تبیین استدلال به این روایات سه احتمال وجود دارد:

احتمال اول: اینکه ممکن است کسی ادعا کند فضائل ختم قرآن و سور مربوط به قرآن واقعی نیست بلکه منظور از فضیلت ختم قرآن و خواند سور، مربوط به همین قرآن تحریف شده موجود است. گفتیم کسی ملتزم به این احتمال نشده است.

احتمال دوم: اینکه فضیلت مربوط به قرآن واقعی است و اثر بر قرائت سوره بدون نقص مترتب است ولی این حکم تغییر کرده و ختم قرآن موجود و قرائت سوره‌ای از سور قرآن موجود هم فضیلت دارد، معنای این احتمال این است که حکم تغییر پیدا کرده و حکم جدیدی به جای آن آمده است که این احتمال هم قابل التزام نیست.

احتمال سوم: اینکه فضیلت ختم قرآن و سور مربوط به قرآن واقعی است و ختم قرآن و سور موجود هیچ فضیلتی نداشته باشد، معنای این احتمال هم این است که مسلمین که قرآن می‌خوانند هیچ فضیلتی بر قرائت آنها مترتب نشود. این منجر به لغو بودن بیان فضیلت برای ختم قرآن از جانب ائمه (ع) خواهد شد، چون ممکن نیست ائمه (ع) حکمی را بیان کنند که هیچ مکلفی قادر به انجام آن نباشد.

طائفه چهارم:

بعضی از روایات یک حکم خاصی را در مورد سور قرآن ذکر کرده‌اند از جمله روایاتی که دلالت بر وجوب قرائت سوره کامله در هر رکعت از نمازهای واجب می‌کند که به این روایات در کتاب وسائل الشیعة^۱ اشاره شده است. یک بخش از روایات هم دلالت می‌کند بر جواز تقسیم سوره کامله در نماز آیات که می‌گوید شما یک سوره کامل را می‌توانید به پنج قسمت تقسیم کنید.

سؤال: آیا می‌شود «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم به عنوان یک آیه به حساب آورد؟

۱. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۷، کتاب الصلوة، باب ۱ من ابواب القرائة.

استاد: اینکه آیا می‌توان «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم یک آیه مستقل به حساب آورد بستگی به این دارد که «بسم الله الرحمن الرحيم» را جزء سوره بدانیم یا نه که اگر آن را جزء سوره بدانیم می‌توان آن را به عنوان یک آیه و یک بخش در نماز آیات قرائت کرد ولی اگر جزء سوره نباشد نمی‌توان آن را به عنوان یک بخش قرائت کرد، البته حق این است که «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره است و قرائتی هم بر این مطلب وجود دارد که ما سابقاً به آنها اشاره کرده‌ایم.

سؤال: بعضی از مراجع «بسم الله الرحمن الرحيم» را جزء سوره ندانسته ولی گفته‌اند می‌توان سوره توحید را به پنج قسمت تقسیم کرد و در نماز آیات هر بخش از آن را قبل از رکوع خواند به این نحو که «لم یلد» و «لم یولد» را دو آیه به حساب آورده‌اند.

استاد: شاید این نحوه تقسیم به این جهت باشد که نظر مراجع مذکور این است که می‌توان یک سوره را به پنج قسمت تقسیم کرد و هر قسمت آن را جداگانه در نماز آیات قرائت کرد که سوره مشتمل بر کمتر از پنج آیه را هم شامل می‌شود، لذا می‌توان سوره توحید را هم به پنج قسمت تقسیم کرد، ولی نظر برخی از مراجع این است که می‌توان یک سوره را که مشتمل بر پنج آیه باشد به پنج قسمت تقسیم کرد و هر آیه را جداگانه در نماز آیات خواند که در این صورت سوره که کمتر از پنج آیه داشته باشند را نمی‌توان در نماز آیات قرائت کرد.

«والحمد لله رب العالمین»